

پیش‌بینی میزان احتمال پیمان شکنی در روابط زناشویی براساس سطح تمایز یافتگی، عملکرد خانواده و دلزدگی زناشویی

محمود گودرزی^۱

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۱

هدف: این پژوهش با هدف پیش‌بینی پیمان شکنی زناشویی، براساس میزان تمایز یافتگی، عملکرد خانواده و دلزدگی زناشویی زوج‌های ساکن شهرستان سنندج انجام گرفت. **روش:** پژوهش حاضر یک مطالعه همبستگی بود. نمونه مورد نظر از بین زوج‌های داوطلب درگیر در بحران خیانت مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و دادگاه‌های خانواده بود که برای بروز خیانت درخواست جدایی یا رسیدگی مراجع قضایی را داشتند. حجم نمونه ۳۷۰ نفر بود که پرسشنامه‌های تمایز یافتگی اسکورن و فریندلر (۱۹۹۸)، دلزدگی زناشویی پایینز (۱۹۹۶) و عملکرد خانواده ایشتاین، بالدوین و بیشاب (۱۹۸۳) در آنها اجرا شد. سپس نتایج با روش رگرسیون چندمتغیری سلسله مراتبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** نتایج نشان دهنده آن بود که تمایز یافتگی ($B = -0.073$) و عملکرد خانواده ($B = -0.43$) پیش‌بین منفی برای خیانت زناشویی هستند ولی دلزدگی زناشویی ($B = 0.31$) نقش مثبتی در پیش‌بینی خیانت دارد ($p \leq 0.01$). **نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌ها، می‌توان گفت که برنامه‌های آموزش تمایز یافتگی و گرایش به سمت پیش‌گیری از دلزدگی زناشویی و در نتیجه بالابردن عملکرد خانواده می‌توانند پیشگیری‌کننده از خیانت در روابط زناشویی باشند.

کلید واژه‌ها: پیمان شکنی زناشویی، تمایز یافتگی خود، عملکرد خانواده، دلزدگی زناشویی

۱. (نویسنده مسئول)، استادیار گروه مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

مقدمه

رابطه زوجی با رسیدن یک زن و شوهر به هم با عنوان ازدواج آغاز شده و ادامه می‌یابد. این رابطه به عنوان یکی از پایدارترین روابط در تمام فرهنگ‌های شناخته شده مطرح بوده و هست. یکی از مهمترین ویژگی‌های این رابطه برخورد با فراز و نشیب‌های بسیاری است که در طول آن برای زوج اتفاق می‌افتد. مواجه شدن با مشکلاتی که ناشی از به دنیا آمدن فرزند، رابطه با خانواده اصلی، روزمرگی رابطه و تحقق وظایف از جمله این‌ها هستند. ازدواج پیوند مهمی است که در زندگی انسان رخ می‌دهد و رابطه‌ی منحصر به فردی است که می‌تواند در صورت موفقیت، منبع حمایت، صمیمیت، امنیت و آرامش و رشد باشد. ازدواج نیازمند همکاری، همدلی، علاقه، مهربانی، بردباری و مسئولیت‌پذیری است (گودرزی و بوستانی پور، ۱۳۹۲). از طرفی این رابطه در صورت عدم موفقیت می‌تواند شدیدترین آسیب‌ها را به افراد وارد کند که باعث توقف رشد شخصی و سرگردانی شود. شکست در این زمینه می‌تواند به صدمه‌ها و جراحتهایی منجر شود که التیام آنها به وقت زیادی نیاز دارد (نظری و نوایی نژاد، ۱۳۸۵). یکی از مهمترین مشکلاتی که بیشتر باعث بروز بحران در روابط زوجی و خانوادگی می‌شود، خیانت یا پیمان‌شکنی زناشویی است. پیمان‌شکنی به عنوان نخستین مشکل مطرح شده در طول حیات زوج درمانی مقرر شده است و براساس گزارش زوج درمانگران، یکی از دشوارترین مسایل زناشویی در درمان، پیمان‌شکنی است (هرتلین و اسکاگز، ۲۰۰۵). پژوهش‌های بسیاری به منظور تعیین کردن آمار تقریبی همسران پیمان‌شکن صورت گرفته است. پژوهش‌ها درصد افرادی را که در روابط فرا زناشویی هستند را بین ۱۵٪ تا ۷۰٪ برآورد کردند (آدامپلو^۱، ۲۰۱۳؛ پارکرپاپ^۲، ۲۰۰۸). این آمار در حالی است که در نظرسنجی گالوپ، ۹۰ درصد پیمان‌شکنی زناشویی را غیراخلاقی و ۶۵ درصد آن را

1. Hertlein, K. M. Skaggs, G.
2. Adamopoulou, E.
3. Parker-Pope, T.

غیرقابل بخشش مطرح کردند (نگاش و مورگان^۱، ۲۰۱۶).

برای درک ادبیات پیمان شکنی (خیانت)، باید به تعریف آن پرداخت. گسترده بودن حوزه تعریف پیمان شکنی ابهام و مشکل را ایجاد کرده است که ممکن است دو فرد مختلف که در یک رابطه مشابه و یکسان با فردی به جز همسر خود هستند، عقاید متفاوتی در باره این رابطه یکسان داشته باشند (هرتلین و اسکاگز، ۲۰۰۵، جونزو و ویسر^۲، ۲۰۱۳). اکثر کارشناسان بر این عقیده‌اند که خیانت زناشویی می‌تواند عاطفی، فیزیکی یا هر دو باشد. خیانت فیزیکی تنها منحصر به تجارب جنسی نمی‌شود. بوسیدن و نوازش کردن یا اعمال جنسی دیگری غیر از آمیزش ممکن است انواع خیانت فیزیکی محسوب شود. خیانت‌هایی که در آن تعامل جنسی نباشد را خیانت‌های عاطفی می‌نامند. به طور کلی، خیانت عاطفی به خیانتی گفته می‌شود که در آن یک نفر منابع عاطفی خود نظیر عشق رمانتیک، زمان و توجه را به شخص دیگر ابراز می‌کند. مالتروپ^۳ (۱۹۹۰) خیانت در روابط زناشویی را یک راه حل عاطفی در برابر یک مشکل عاطفی می‌داند. او معتقد است روابط فرازناشویی روابطی است بین یک نفر و فردی غیر از همسرش که بر روی سطح صمیمیت، فاصله عاطفی و به طور کلی تعادل ازدواجشان تأثیر بگذارد. این دیدگاه در میان دیگر نویسندگان (از جمله؛ باگاروزی^۴، ۲۰۰۸؛ هرتلین و اسکاگز، ۲۰۰۵؛ پلات، نالبونه، کاسانووا و وتچلر^۵، ۲۰۰۸؛ شاکلفورد، لبلانس و دراس^۶، ۲۰۰۰؛ گوردون، باکوم و اسنایدر^۷، ۲۰۰۸؛ لوین^۸، ۲۰۰۵؛ اسپرینگ و اسپرینگ^۹، ۲۰۰۸) نیز دارای اعتبار است. به دلیل اینکه خیانت‌ها هم عاطفی و هم جنسی هستند محققان هنگام مطالعه در مورد آن

1. Negash, S. & Morgan, M. L.
2. Jones, D. N., Weiser, D. A.
3. Moultrup, D. J.
4. Bagarozzi, D.
5. Platt, A. Nalbhone, D. Casanova, G. Wetchler, J.
6. Shackelford, T. LeBlanc, G. Drass, E.
7. Gordon, K. Baucom, D. Snyder, D.
8. Levine, S. B.
9. Spring, J. Spring, M.

باید به چندوجهی بودن این پدیده توجه کنند.

ترکیبی از عوامل درون و برون خانوادگی در شکل‌گیری خیانت موثرند. در پژوهش حاضر دیدگاه غالب، عوامل درون خانوادگی است و براساس مطالعه پیشینه، سطح تمایزیافتگی، عملکرد خانواده و دلزدگی زناشویی به عنوان عوامل پیش‌بین برای وقوع خیانت در روابط زناشویی مورد بررسی قرار گرفتند. سطح تمایزیافتگی که توسط بوئن مطرح شده است عبارت است از توانایی کسب کنترل عاطفی بر خود و در عین حال ماندن در جو عاطفی شدید خانواده. تمایزیافتگی، میزان توانایی فرد برای تفکر واقع‌بینانه راجع به موضوعات سرشار از عاطفه در خانواده است. رشد فردیت منجر به شکل‌گیری سیستم باورهای شخصی، اهداف شخصی و اصول زندگی می‌شود. بیماری‌های عاطفی زمانی ایجاد می‌شوند که افراد نمی‌توانند خود را به نحوی شایسته از خانواده‌های اصلی متمایز کنند. هم‌جوشی پدیده‌ای است که اجازه نمی‌دهد فرد خودش را از خانواده متمایز کند. هم‌جوشی به توده‌ی یکتایی عاطفی می‌انجامد که این وابستگی عاطفی از لحاظ شدت، انواع مختلف دارد. اعضای یک خانواده هر چه بیشتر احساس تهدید یا ناامنی کنند، بیشتر به هم‌جوشی متمایل می‌شوند. هر چه افراد احساس استرس یا اندوه بیشتری کنند، بیشتر به جست‌وجوی امنیت یکتایی برمی‌آیند که از هم‌جوشی با خانواده حاصل می‌شود. اندوه مزمن می‌تواند حالتی در افراد بوجود آورد که از لحاظ عاطفی بیمار باشند و نتوانند خود را از خانواده متمایز کنند. آنها برای همیشه به خانواده می‌چسبند و خانواده نیز به آنها می‌چسبد (پروچاسکا، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۷). برقراری ارتباط موثر در واحد زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که ساخت خانواده و الگوهای مرادده‌ای موجود در آن از ارتباط زن و شوهر شکل گرفته و نحوه تطابق و برون‌سازی این واحد دو نفری با تغییرات سیستم آتی خانواده ارتباطات اعضای دیگر (فرزندان) با یکدیگر و عملکرد خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد (گودرزی، ۱۳۹۲). عملکرد خانواده، مفهومی است که براساس الگوی مک مستر بنا نهاده شده است و

روش‌های سنجش متعددی هم براساس آن تدوین شده است. اما به طور کلی این مفهوم در این الگوبراساس شش عامل حل مسأله، ارتباط، کارآمدی نقش، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار اندازه‌گیری می‌شود. درمانگران نقاط قوت و ضعف خانواده را از روی نیمرخ به دست آمده استنتاج کرده و سپس رویکرد درمانی الگوی مک مستر را به کار می‌گیرند (اپستاین، بالدوین و بیشاپ^۱، ۱۹۸۳ به نقل از گودرزی، ۱۳۹۲). دل‌زدگی وضعیت دردناک جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را که توقع دارند عشق رویایی به زندگیشان معنا ببخشند را متأثر می‌سازد. دل‌زدگی هنگامی بروز می‌کند که آنها متوجه می‌شوند، علی‌رغم تمام تلاش‌هایشان این رابطه به زندگیشان هیچ معنا و مفهوم خاصی نداده و نخواهند داد (پاینز^۲، ۱۹۹۶، ترجمه شاداب، ۱۳۸۱).

فرانک و همکاران^۳، (۲۰۱۶) به طور کامل عوامل پیش‌بینی کننده خیانت را مورد بررسی قرار دادند و مدل چندوجهی را ارائه نمودند. آدامپلو (۲۰۱۳)، احتمال خیانت در زنان و مردان را مشابه نشان داد. اسنایدر و همکاران^۴ (۲۰۱۰) بین خیانت و مرحله چرخه زندگی خانواده، روابطی را گزارش کرده و معتقدند که در مراحل میانی زندگی زناشویی به دلیل به فلات رسیدن رابطه، احتمال بروز خیانت افزایش می‌یابد و هرچه به سمت اواخر زندگی پیش می‌رویم این احتمال افت می‌کند. باگاروزی (۲۰۰۸) با در نظر گرفتن ابعاد چندگانه پدیده خیانت مدلی چندوجهی را برای درمان خیانت ارائه کرده است. هرتلین و اسکاگز (۲۰۰۵) نیز به بررسی همبستگی سطح تمایز یافتگی و احتمال خیانت پرداخته‌اند و این رابطه را معنادار و منفی یافته است. به صورتی که این در این رابطه با افزایش تمایز یافتگی احتمال بروز خیانت کاهش می‌یابد و بالعکس. پلات و همکاران (۲۰۰۸) خیانت والدین و تعارض آنها را در خانواده اصلی زوجها به عنوان پیش‌بینی کننده احتمال خیانت و تعیین کننده سبک دلبستگی افراد می‌داند و این

1. Epstein, N. B., Baldwin, L. M., Bishop, D. S.

2. Pines, A. M.

3. Frank, D. F., & et al.

4. Snyder, I. & et al.

رابطه را معنادار و نقش آن را معنادار یافته است. قزوینی و همکاران (۱۳۹۴) نارضایتی زناشویی و هوش اخلاقی پایین را از عوامل پیش‌بینی کننده خیانت مردان در ایران عنوان کردند. گودرزی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه تمایزیافتگی و خیانت پرداخته است و این رابطه را معنادار و مثبت یافته است. به این صورت که هرچه تمایزیافتگی بالاتر باشد احتمال بروز خیانت در زندگی زناشویی کمتر می‌شود. به نظریانگ و لانگ^۱ (۲۰۰۶) هر خانواده در محیطی دائم‌التغییر به سر می‌برد و اینکه خانواده تا چه اندازه به سلامت از یک مرحله به مرحله‌ای دیگر وارد شود تأثیر بسزایی بر عملکرد زوج در مراحل بعدی خواهد داشت. همچنین با توجه به دیدگاه سیستمی یکی از مشکلاتی که در طی این مسیر برای زوج‌ها اتفاق می‌افتد، روزمرگی رابطه و یکنواختی آن برای زوج است که به بروز خیانت دامن می‌زند (اسنایدر و همکاران، ۲۰۱۰). مصری پور و همکاران (۲۰۱۶) دلایل خیانت خانم‌ها را در ایران بررسی کردند و سه عامل که بیشتر درون خانوادگی بودند را بیان کردند.

پیمان‌شکنی زناشویی پدیده‌ای رو به رشد می‌باشد. از طرف دیگر پیمان‌شکنی تأثیرات منفی و مخرب بسیاری بر روی ازدواج و افراد می‌گذارد. لودووا و همکاران^۲ (۲۰۱۳) خیانت را به عنوان عامل تهدیدکننده اساسی فعلی در فروپاشی خانواده‌ها بیان کردند. از جمله تأثیرات منفی خیانت می‌توان به پیامدهایی همچون طلاق و عواقب آن، افسردگی شدید، اضطراب و افکار خودکشی در افراد اشاره کرد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۴). نگاش و مورگان (۲۰۱۶)، تأثیرات خیانت را در جامعه و خانواده بررسی کردند و بیان کردند که خیانت تأثیرات بسیار مخربی بر فرزندان و روابط درون خانوادگی دارد. از این رو مطالعه این پدیده حایز اهمیت می‌باشد. از طرف دیگر، ماهیت عاطفی روابط خانوادگی در فرهنگ جامعه ما بر میزان تمایزیافتگی افراد بسیار اثرگذار است. همچنین، بررسی عملکرد خانواده و مرحله‌ای که زوج در آن قرار دارند به واسطه اثرگذاری بر بروز

1. Young, L. Long, Y.

2. Loudova, I, & et al.

دل‌زدگی و احتمال خیانت می‌تواند به پیش‌بینی و به طبع آن پیشگیری و اقدام به موقع کمک کند. لذا پژوهش حاضر، براساس عوامل مذکور در بافت فرهنگی جامعه، به بررسی عوامل اثرگذار پرداخته و مدلی را برای پیش‌بینی و پیشگیری از احتمال بروز چنین پدیده‌ای ارائه می‌کند.

روش پژوهش (جامعه آماری و نمونه)

روش پژوهش به لحاظ هدف بنیادی و به لحاظ شیوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی که در قالب یک طرح همبستگی انجام شد. جامعه مورد بررسی کلیه زوج‌های ساکن شهرستان سنندج بود. نمونه مورد نظر از بین زوج‌های داوطلب درگیر در بحران خیانت مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و دادگاه‌های خانواده بود که برای بروز خیانت درخواست جدایی یا رسیدگی مراجع قضایی را داشتند. حجم نمونه براساس جدول مورگان برای جامعه نامشخص حداقل ۳۸۴ نفر می‌باشد، لذا به همین میزان نمونه از میان افراد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و دادگاه خانواده شهرستان سنندج (۱۹۲ زن و ۱۹۲ مرد) انتخاب و پرسشنامه‌ها برای آنان اجرا شد. که در نهایت بدلیل نقص در تکمیل پرسشنامه‌ها تعداد ۳۷۰ پرسشنامه شامل ۱۸۵ زن و ۱۸۵ مرد مورد تحلیل قرار گرفت. مشخصات مشترک این افراد عبارت بود از داشتن حداقل یک فرزند و زندگی مشترک داشتن، منظور از ازدواج در اینجا به معنی داشتن زندگی مشترک بود نه صرف بستن عقد ازدواج. بمنظور گردآوری داده‌ها در ابتدا به مراکز مشاوره و دادگاه‌های خانواده شهرستان سنندج در بازه زمانی نیمه دوم ۱۳۹۳ الی نیمه اول ۱۳۹۵ مراجعه نموده و بعد از شناسایی افراد واجد شرایط درخصوص پژوهش توضیحات لازم برای آنان ارائه گردید و بعد از اعلام تمایل و داوطلبی افراد برای شرکت در پژوهش پرسشنامه‌های تمایز یافتگی خود، عملکرد خانواده و دل‌زدگی زناشویی روی افراد اجرا شد. داده‌های حاصل از این پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند تا معادلات رگرسیون چندمتغیری آنها محاسبه شده و به این ترتیب امکان پیش‌بینی فراهم شود.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه تمایزیافتگی خود اسکورون^۱: پرسشنامه تمایزیافتگی خود (DSI) توسط اسکورون و فریندلر در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است. در این مقیاس، تمایزیافتگی را توانایی فرد در ایجاد تعادل بین عملکرد ذهنی و عاطفی فرد، خودمختاری و صمیمیت در روابط و توانایی تمیز افکار از احساسات و همچنین توانایی انتخاب در یک موقعیت فرضی تعریف می‌کنند. این پرسشنامه یک مقیاس ۴۳ سوالی است که به صورت لیکرت ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود و دارای ۴ خرده مقیاس است که عبارتند از: واکنش پذیری عاطفی، موقعیت من، برش عاطفی و آمیختگی با دیگران. هرچه نمره فرد بالاتر باشد میزان تمایزیافتگی فرد بالاتر است و بالعکس. با توجه به همبستگی این پرسشنامه با مولفه‌های سلامت عمومی دارای روایی ملاکی همزمان قابل قبولی می‌باشد (فخاری، لطفیان و اعتماد، ۱۳۹۲) همچنین روایی این پرسشنامه توسط متخصصان در پژوهش‌های اسکورون و اشمیت^۲ (۲۰۰۳) و اسکورون (۲۰۰۰) تایید شده است. پایایی همسانی درونی پرسشنامه و خرده مقیاس‌های آن خوب گزارش شده است. این میزان برای کل آزمون ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس‌های واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۴، موقعیت من ۰/۸۳، برش عاطفی ۰/۸۲ و آمیختگی با دیگران ۰/۷۴ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۸۰). پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بدست آمد.

ابزار سنجش خانواده: این ابزار در سال ۱۹۸۳ توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاب ساخته شده است و یک پرسشنامه ۶۰ سوالی است که برای سنجش عملکرد خانواده بنا بر الگوی مک مستر تدوین شده است و شش بعد از عملکرد خانواده از قبیل حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار را اندازه‌گیری می‌کند. پایایی این پرسشنامه از ۷۲٪ تا ۹۲٪ به دست آمده و روایی همزمان و پیش‌بین آن (با

1. Skowron, E.A.

2. Skowron, E.A. & Schmitt, T.A.

مؤلفه طلاق) هم بالا (۸۶٪ و ۷۸٪) بدست آمده است. برای این مقیاس نقطه ی برش ۲۴ است که تفکیک میان جمعیت بالینی و غیر بالینی را ممکن می‌سازد. به این معنی که نمره بالاتر از آن نیاز به مداخله را متذکر می‌شود (ثنایی، ۱۳۸۰). این پرسشنامه شامل این خرده مقیاس‌ها است. ۱. حل مشکل: این خرده مقیاس توانایی خانواده را در حل مشکلات می‌سنجد و دو نوع مشکل عمده در آن مشخص است، ابزاری و عاطفی. ۲. ارتباط: در این خرده مقیاس، ارتباط به معنای تبدیل اطلاعات است. همواره ارتباطی صریح و آشکار می‌تواند راهگشای مسائل باشد و ارتباط غیر صریح و با واسطه در معرض تحریف و سوءاستفاده است. ۳. نقش‌ها: این سازه به الگوهای تکراری رفتار افراد خانواده اشاره دارد. الگوهایی که کارکردهای خانواده را محقق می‌سازند. این سازه همچنین مقررات خانواده را نیز شامل می‌شود. ۴. همراهی عاطفی: این بعد توانایی ابراز عواطف مختلف را می‌سنجد و تناسب آن با محیط را ارزیابی می‌کند، این واکنش‌های عاطفی دو نوع هستند: الف: احساسات مربوط به رفاه و آسایش. ب: احساسات مربوط به ناامنی و اضطراب. ۵. آمیزش عاطفی: نوع مشارکت و درگیری اعضای خانواده با یکدیگر در این بعد تشریح می‌گردد. خانواده مسئولیت تأمین نیازهای عاطفی را به عهده دارد و بدین منظور به مشارکت می‌پردازد. ۶. کنترل رفتار: این بعد قواعدی را ارزیابی می‌کند و خانواده براساس آن آموزش را سرو سامان می‌دهد. چندین شیوه مهار رفتار وجود دارد که مطلوب‌ترین آن شیوه انعطاف پذیر و نامطلوب‌ترین آن شیوه هرج و مرج است. ۷. عملکرد کلی: با استفاده از ترکیبی از هر شش مقیاس این بعد کلی لحاظ می‌شود (ثنایی، ۱۳۸۰)

پرسشنامه دلزدگی زناشویی: این مقیاس توسط پاینز (۱۹۹۶) به منظور اندازه‌گیری میزان فرسودگی زناشویی، ابداع گردیده است که با ۲۱ سؤال، سه خرده مقیاس از پا در افتادن جسمی، از پا در افتادن عاطفی و از پا در افتادن روانی را بررسی می‌کند. تمام پرسش‌ها روی یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت پاسخ داده می‌شوند. در این مقیاس نمرات بالاتر نشان‌دهنده فرسودگی بیشتر است و حد بالای نمره، ۱۴۷ و حد پایین نمره ۲۱، می‌باشد. برای تفسیر نمره‌ها باید آنها را تبدیل به درجه کرد که این عمل از طریق

تقسیم نمودن نمره‌های حاصل شده از پرسشنامه بر تعداد سوالات به دست می‌آید. در تفسیر نمره‌ها، درجه بیش از ۵، نشانگر لزوم کمک فوری، درجه ۵ نشان دهنده وجود بحران، درجه ۴، نمایانگر حالت فرسودگی و درجه ۲ و کمتر از آن نیز نشان دهنده وجود رابطه است. برای بررسی روایی همگرایی این پرسشنامه، همبستگی آن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت (پاینزو نانس^۱، ۲۰۰۳) و رضایت زناشویی انریچ (افتخاری، آمال زاده و نادری، ۱۳۸۸) محاسبه شده است که حاکی از روایی قابل قبولی می‌باشد. ضریب اطمینان آزمون- بازآزمون برای یک دوره یک ماهه ۰/۸۹ گزارش شده است. در ایران نیز این میزان برای یک دوره سه ماهه ۰/۶۶ بوده است. نویدی (۱۳۸۴) ضریب آلفای اندازه‌گیری شده را ۰/۹۱ گزارش کرده است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بدست آمد.

یافته‌ها

در اطلاعات جمعیت شناختی موجود در جدول ۱ بیانگر این مطلب است که زوج‌هایی که یک فرزند داشتند، خیانت بیشتری در بینشان رخ داده بود. در بین زنان خانه‌دار نیز فراوانی خیانت دیدگی بیشتر بود. و بیشترین میزان خیانت نیز در ۵ سال اول ازدواج رخ داده اما عدم تفاوت فراوانی در بین سال‌های ۱۵ به بالای ازدواج نیز نکته‌ای است که نشان می‌دهد احتمال خیانت از ۱۵ سال بعد از ازدواج به بعد به میزان یکسانی وجود دارد. در بین دو نمونه مورد بررسی نیز، زنان بیشترین فراوانی را داشتند. فراوانی و انحراف معیار نمرات حاصل از اجرای پرسشنامه‌های تمایز یافتگی، دل‌زدگی، و عملکرد خانواده در جدول (شماره ۲) آمده است. بنابر جدول شماره ۲، میانگین تمایز یافتگی در کل افراد برابر ۱۴۱/۳۵ است و انحراف معیار آن ۱۱/۵ است، که در بین زنان و مردان، تمایز یافتگی مردان بالاتر از زنان است. در مورد دل‌زدگی نیز، میانگین کل برابر ۱۰۳/۲۵ است و میانگین دل‌زدگی زنان بیشتر از مردان است. در نهایت نیز در عامل عملکرد

1. Pines, A.M., Nunes,R.

خانواده، میانگین کل برابر ۱۴۷/۱۹ است و انحراف معیار برابر ۸/۷۷ است. میانگین عملکرد خانواده در مردان بالاتر است.

جدول ۱. داده‌های توصیفی نمونه مورد بررسی

کل	زن	مرد	داده‌های توصیفی	
۱۹۲	۹۵	۹۷	۱	تعداد فرزندان
۷۶	۳۷	۳۹	۲	
۵۸	۳۲	۲۶	۳	
۴۴	۲۱	۲۳	۴ و بیشتر	
۱۸۱	۶۷	۱۱۴	خانه دار	شغل
۸۰	۳۶	۴۴	کارمند	
۳۹	۳۴	۵	کارگر	
۷۰	۴۸	۲۲	آزاد	
۱۲۶	۵۵	۷۱	۱-۵	مدت زمان ازدواج (سال)
۹۳	۴۱	۵۲	۶-۱۰	
۵۴	۳۲	۲۲	۱۱-۱۵	
۴۱	۲۶	۱۵	۱۵-۲۰	
۵۶	۳۱	۲۵	۲۰ به بالا	

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات پرسشنامه‌ها به تفکیک جنسیت

مؤلفه‌ها	زنان		مردان		کل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
تمایز یافتگی	۱۳۳/۶۰	۱۱/۸	۱۴۹/۱	۱۱/۲	۱۴۱/۳۵	۱۱/۵
دلزدگی	۱۰۴/۵	۴/۰۶	۱۰۲	۵/۲۵	۱۰۳/۲۵	۴/۶۵
عملکرد خانواده	۱۴۵/۰۶	۹/۷۵	۱۴۹/۳۳	۷/۷۹	۱۴۷/۱۹	۸/۷۷

بر اساس اهداف ترسیم شده در پژوهش حاضر و نوع مقیاس‌های اندازه‌گیری، روش پژوهش مورد استفاده، رگرسیون چند متغیری سلسله مراتبی است. برای بررسی داده‌های

مربوط به این فرضیه ابتدا ضریب همبستگی بین سه متغیر فوق مورد بررسی قرار گرفتند. این نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است. با توجه به جدول ۳، بین دل‌زدگی و دو متغیر دیگر (تمایزیافتگی و عملکرد خانواده) همبستگی منفی (۰/۱۳- و ۰/۲۲-) وجود دارد. اما بین عملکرد خانواده و تمایزیافتگی، همبستگی مثبت با شدت ۰/۵۳ به دست آمده است ($p < 0/01$).

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرهای سه گانه

عملکرد خانواده	دل‌زدگی	تمایزیافتگی	
		۱	تمایزیافتگی
	۱	** - ۰/۱۳	دل‌زدگی
۱	** - ۰/۲۲	** ۰/۵۳	عملکرد خانواده

** $p < 0/01$

به منظور بررسی توان پیش‌بینی براساس داده‌های فوق، از رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن نیز در جدول ۴ آمده است. در رگرسیون چند متغیری سلسله مراتبی پیش‌بین‌های بالقوه خیانت زناشویی به صورت بلوک‌هایی وارد مدل شدند. اول تمایزیافتگی وارد شد، بعد در گام بعدی دل‌زدگی زناشویی وارد معادله شد و در نهایت و درگام سوم عملکرد خانواده نیز وارد مدل گردید. مدل نهایی نشان داد که تمایزیافتگی ($B=0/93$) و عملکرد خانواده ($B=0/43$) پیش‌بین منفی در خیانت زناشویی هستند ولی دل‌زدگی زناشویی ($B=0/31$) پیش‌بین مثبت خیانت است. از آن جایی که آماره بتا در جدول فوق نزدیک به میزان همبستگی بین هر متغیر با احتمال خیانت زناشویی است، می‌توان گفت که بین تمایزیافتگی و خیانت، همبستگی ۰/۷۱- برقرار است. بین عملکرد خانواده و خیانت زناشویی، همبستگی ۰/۳۱- است و در نهایت بین دل‌زدگی و خیانت زناشویی، این همبستگی برابر ۰/۴۳ می‌باشد. در واقع می‌توان چنین نیز نتیجه‌گیری کرد، به همان شکل که در محاسبه همبستگی نمره احتمال خیانت

زناشویی با تمایز یافتگی، عملکرد خانواد و دل‌زدگی زناشویی نیز نشان داده شد، هرچه نمرات تمایز یافتگی و عملکرد خانواده افزایش یابد، احتمال خیانت کمتر خواهد شد، چرا که با یکدیگر همبستگی منفی نشان داده‌اند. اما این مطلب در مورد دل‌زدگی زناشویی بالا عکس است، چرا که بر اساس همبستگی مثبت بین خیانت زناشویی و دل‌زدگی، هرچه نمره در دل‌زدگی افزایش یابد، احتمال خیانت نیز افزایش خواهد یافت.

جدول ۴. رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی متغیرهای پیش‌بین خیانت زناشویی

مدل‌ها	B	خطای استاندارد B	بتا
مدل ۱	ثابت	۰/۲۰	
	تمایز یافتگی	۰/۰۶	** ۰/۰۶
مدل ۲	ثابت	۰/۲۴	
	تمایز یافتگی	۰/۰۸	** - ۰/۰۷۴
	دل‌زدگی زناشویی	۰/۰۴	** ۰/۱۴
مدل ۳	ثابت	۰/۲۸	
	تمایز یافتگی	۰/۰۸	** - ۰/۰۷۳
	دل‌زدگی زناشویی	۰/۰۶	** ۰/۰۴۳
	عملکرد خانواده	۰/۱۳	** - ۰/۰۳۱

P<0/01**

متغیر پیش‌بینی شونده: خیانت زناشویی

بحث و نتیجه‌گیری

مالتروپ^۱ (۱۹۹۰) خیانت در روابط زناشویی را یک راه حل عاطفی در برابر یک مشکل عاطفی می‌داند. مالتروپ معتقد است روابط فرازناشویی روابطی است بین یک نفرو فردی غیر از همسرش که بر روی سطح صمیمیت، فاصله عاطفی و به طور کلی تعادل ازدواجشان تأثیر بگذارد. درایگوتاس، سافستروم و جنتیلیا^۲ (۱۹۹۹) افرادی دیده‌اند که به دلیل روابط فرادوتایی به ارتباط خود پایان داده‌اند، این افراد سطوح بیشتری از صمیمیت

1. Moultrup, D. J.

2. Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T.

عاطفی با شخص سوم غیر از همسرشان را گزارش داده اند. در میان افرادی که دچار خیانت شده اند حتی تفاوت‌های جنسیتی نیز دیده شده است. مردانی که در روابط فرادوتایی درگیر شده اند به احتمال زیادتری درگیری عاطفی نداشته اند در حالی که زنان دچار روابط فرادوتایی در سطحی از صمیمیت عاطفی درگیر بوده اند.

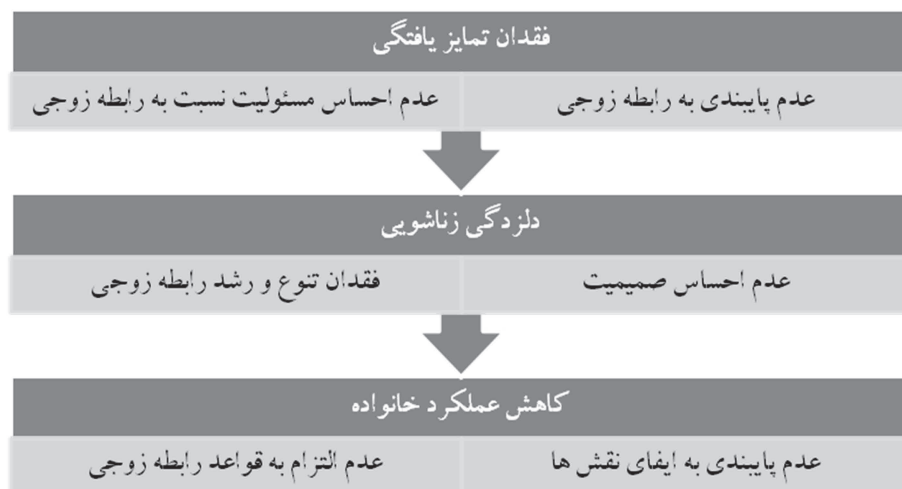
آنچه در مورد نتایج حاصل، به لحاظ نظری و عملی قابل تبیین است، این مطلب است که هرچه فرد تمایز یافته‌تر باشد بیشتر می‌تواند در روابط بین فردی خود به تفکیک عوامل عاطفی و منطقی از یکدیگر بپردازد و در نتیجه درگیر ابعاد عاطفی روابط بین فردی، در خیانت‌های زناشویی نشده و طبعاً درگیر آن نیز نخواهد شد. گوردزی (۱۳۸۸) به بررسی رابطه تمایز یافتگی و خیانت پرداخته است و این رابطه را معنادار و مثبت یافته است. به این صورت که هر چه تمایز یافتگی بالاتر باشد احتمال بروز خیانت در زندگی زناشویی کمتر می‌شود. پلات^۱ و همکاران (۲۰۰۸) خیانت والدین و تعارض آنها را در خانواده اصلی زوج‌ها به عنوان پیش‌بینی کننده احتمال خیانت و تعیین کننده سبک دل‌بستگی افراد می‌داند و این رابطه را معنادار و نقش آن را معنادار یافته است.

عملکرد خانواده بیانگر آن بود که هر چه سیستم ارتباطی زوج در ارضای نیازهای فردی و بین فردی کارکرد بهتری داشته باشد، بهتر می‌تواند پیشگیری کننده شکل‌گیری روابط فرازناشویی شود. در تبیین این موضوع، یانگ و لانگ (۲۰۰۶) به مفهوم خیانت‌هایی با انگیزه جبران کمبودهای رابطه زوجی اشاره می‌کنند. به عنوان مثال اگر نیاز به آمیزش عاطفی در رابطه زوجی دچار کمبود گردد، ممکن است دو طرف در پی جبران این کمبود به برقراری یک رابطه فرازناشویی اقدام کنند و همین موضوع می‌تواند در مورد نارضایتی از رابطه جنسی نیز مصداق پیدا کند. به هر حال عملکرد سیستم رابطه زوجی که در پژوهش حاضر با عنوان عملکرد خانواده مورد بررسی قرار گرفته است، نشان دهنده این مهم است که افراد به صورت خودآگاه و یا ناخودآگاه به دنبال جبران

1. Platt, A.

کمبودهای بدعملکردی رابطه زوجی خواهند بود. اما در مورد دل‌زدگی نیز می‌توان از همین تبیین استفاده کرد، ضمن اینکه، دل‌زدگی از رابطه زوجی که در مفاهیم سیستمی بیشتر به صورت رسیدن به فلات رابطه زوجی از آن یاد می‌شود بیانگر عدم تنوع در رابطه زوجی، عدم شادمانی در برقراری رابطه زوجی و در نهایت عدم ارضای نیازهای عاطفی در افزایش استرس در این رابطه است. هر چه دل‌زدگی افزایش پیدا کند نشانگان روان تنی نیز در افراد زیاد می‌شود و این به دلیل آشفتگی و استرسی است که زوج‌ها در رابطه با یکدیگر تحمل می‌کنند. دل‌زدگی مرحله‌ای است که طرفین از یکدیگر زده می‌شوند و بیشتر تمایل به تنهایی دارند. عدم امکان داشتن فضای تنها و دوری از یکدیگر بیانگر آن است که رابطه در آستانه فروپاشی قرار می‌گیرد و این موضوع در قالب مفهوم دل‌زدگی زناشویی مورد بررسی قرار گرفته است. به هر حال این عدم علاقه ناشی از آشفتگی و افزایش استرس در رابطه نشان می‌دهد که احتمال دارد طرفین به سمت روابط فرزندناشویی، جهت داشتن هیجان و فرار از یکنواختی در رابطه، گرایش داشته باشند (پاینز، ۲۰۰۴). بحرانی‌ترین حادثه‌ای که می‌تواند ناشی از همین دل‌زدگی شود، پیمان شکنی در رابطه زناشویی است.

اما علاوه بر این‌ها، در سبب شناسی خیانت دلایل متعددی را می‌توان برشمرد که به دلیل تفاوت‌های فردی این دلایل یا عوامل، می‌تواند در افراد مختلف و جوامع گوناگون و حتی در زمان‌های (شرایط) مختلف، متفاوت باشد. به همین دلیل می‌توان به عنوان یکی از پیشنهاد‌های پژوهش بررسی روند زمانی خیانت‌های زناشویی در دوره‌های مختلف زندگی زوجی را نیز مورد بررسی قرار داد. در هر صورت با جمع‌بندی کلی، تبیین یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در غالب دیاگرام زیر تبیین نمود:



شکل ۱. دیاگرام تبیین خیانت زناشویی براساس یافته پژوهش

براین اساس، اعتقاد پژوهشگران است که، اولویت با عدم تمایز یافتگی و به تبع آن دلزدگی از رابطه زوجی و در نهایت افت عملکرد خانواده است که فرد را به سمت خیانت پیش می‌برد. براین اساس، می‌توان گفت که برنامه‌های آموزش تمایز یافتگی و گرایش به سمت پیش‌گیری از دل‌زدگی زناشویی می‌تواند پیشگیری کننده از خیانت در رابطه زوجی و زناشویی باشند. بر همین اساس، همبستگی‌های محاسبه شده در مورد تک تک متغیرها نیز بیانگر همین موضوع است که، بین تمایز یافتگی و خیانت؛ و بین عملکرد خانواده و خیانت، همبستگی منفی و معناداری مشاهده شده است و بین دلزدگی و خیانت همبستگی مثبت و همسواست. این یافته‌های جانبی نیز تبیین کننده، مباحث فوق است. در هر صورت این هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی قابل توجیه است که در صورت تربیت خانواده‌های تمایز یافته و به دنبال آن داشتن افراد تمایز یافته در سطح جامعه می‌توان امیدوار بود که این آسیب اجتماعی و خانوادگی کاهش پیدا کند و این میسر نمی‌شود مگر در قالب ارتقای عملکرد خانواده و شیوه‌های تربیت و کنترل در خانواده‌هایی که کارخانه ساختن و تربیت همین اعضای اجتماع هستند. در هر صورت

اگر این دو با آموزش‌های پیش از ازدواج، جهت پیشگیری از دلزدگی زناشویی و افزایش مهارت‌های زندگی مشترک در زوج‌ها، همراه شود می‌توان امیدوار بود که کاهش گرایش به سمت داشتن روابط فرازناشویی و تبعات منفی ناشی از آن در سطح اجتماع و خانواده‌ها را داشت. براساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد مشاوران از مؤلفه‌های درمانی رویکرد بوئنی، مدل درمانی پاییز برای پیشگیری از دلزدگی زناشویی و مدل آموزشی مک مستر برای افزایش عملکرد خانواده در جهت کاهش آسیب‌های پیمان شکنی همسر استفاده نمایند. همچنین لزوم توجه به آموزش‌های مربوط به تمایز یافتگی، دلزدگی و عملکرد خانواده، در مشاوره‌های پیش از ازدواج و زوج‌های در معرض خطر پیمان شکنی احساس می‌گردد. از جمله محدودیت‌های موجود در پژوهش حاضر می‌توان به خود گزارشی بودن ابزارها و عدم تفکیک نقش خیانت‌گرو خیانت دیده و بررسی آن بود. لذا ضروری است تا با تفکیک این دو نقش در بررسی پیمان شکنی‌های زناشویی، بررسی‌های دقیق‌تری صورت گیرد.

منابع

- پاییز، آ. (۱۹۹۶). چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نینجامد. ترجمه فرح شاداد (۱۳۸۱). تهران: انتشارات ققنوس.
- پروچاسکا، جی. نور کراس، جی. (۲۰۰۰). نظریه‌های روان‌درمانی. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۱). تهران: انتشارات رشد.
- ثنایی، ب. (۱۳۸۰). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- فخاری، ن. لطفیان، م. اعتماد، ج. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی. ۴ (۱۵): ۳-۵۸.
- قزوینی، م. خدابخشی، آ. و منصور، ل. (۱۳۹۴). مقایسه‌ی رضایت زناشویی و هوش اخلاقی و رابطه‌ی آن با عدم تعهد اخلاقی در مردان. مجله‌ی پژوهش در دین و سلامت: ۱، ۴-۱۱.
- کرمی، ج. زکی، ع. و محمدی، ا. (۱۳۹۴). نقش عوامل روانی و اجتماعی در پیش‌بینی نگرش به روابط خارج از چارچوب زناشویی در زنان متأهل و آرایه یک مدل براساس عوامل مرتبط. مطالعات زنان: ۱۳ (۳): ۱۵۲-۱۲۹.
- گودرزی، م. (۱۳۹۲). اثربخشی زوج‌درمانی با رویکرد ستیر بر بهبود عملکرد خانواده و کاهش دلزدگی زناشویی.

- فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های مشاوره: ۱۲ (۴۸). ۱۴۲-۱۵۸.
- گودرزی، م. بوستانی پور، ع. (۱۳۹۲). اثربخشی زوج درمانی سیستمی - رفتاری بر افزایش سازگاری زوج‌ها. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده: ۲ (۳). ۲۸۱-۲۹۶.
 - گودرزی، م. (۱۳۸۸). نقش تمایز یافتگی در رابطه فرازناسویی. خلاصه مقالات چهارمین کنگره خانواده و سلامت جنسی: ۲۵۳-۲۵۰.
 - گودرزی، م. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد ارتباط سستیر عملکرد زوج‌های ناکارآمد. مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان): ۲ (۱). ۵۷-۷۴.
 - نادری، ف. افتخار، ز. آملزاده، ص. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیت و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناسویی در همسران معتادان مرد. یافته‌های نو در روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی): ۴ (۱۱). ۶۱-۷۸.
 - نظری، ع. م. نوابی نژاد، ش. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر مشاوران راه حل محور بر رضایت زناسویی زوجین هر دو مشاغل. فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره: ۵ (۲۰). ۵۳-۸۵.
 - نویدی، ف. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه رابطه دل‌زدگی زناسویی با عوامل جو سازمانی در کارکنان ادارات آموزش و پرورش و پرستاران بیمارستان‌های شهر تهران. پایان‌نامه‌ی چاپ نشده‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی مشاوره. دانشگاه شهید بهشتی.
- Adamopoulou, E. (2013). New facts on infidelity. *Journal of Economics Letters*, 121:458-462.
 - Bagarozzi, D. (2008). Understanding and treating marital infidelity: A multidimensional model. *The American Journal of Family Therapy*. 36: 1-17.
 - Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T. (1999). An investment model prediction of dating infidelity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77 (3), 509-524.
 - Epstein, N. (1987). *Concepts and methods of cognitive behavioral family treatment*. New York: Brooks/Cole.
 - Epstein, N. B., Baldwin, L. M., Bishop, D. S. (1983). The McMaster family assessment device. *Journal of Marital and Family Therapy*. 9, (2), 171-180.
 - Fincham, F. D., May, R. W. (2016). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinions in Psychology*, 32, 23-45.
 - Frank, F. D., May, R. W. (2016). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinions in Psychology*, 32, 23-45.
 - Gordon, K. Baucom, D. Snyder, D. (2008). Optimal strategies in couple therapy: Treating couples Dealing with the Trauma of Infidelity. *Journal of Contemporary Psychotherapy*. 38: 151-160.
 - Hertlein, K. M. Skaggs, G. (2005). Assessing the relationship between differentiation and infidelity. *Journal of Couple and Relationship Therapy*, 4:2, 195-203.
 - Jones, D. N., Weiser, D. A. (2014). Differential infidelity patterns among the Dark Triad. *Journal of Personality and Individual Differences*, 57:20-24.

- Levine, S. B. (2005). A clinical perspective on infidelity. *Sexual and Relationship Therapy*. 20 (2): 143 –153.
- Loudova, I., Janis, K. Haviger, J. (2013). Infidelity as a threatening factor to the existence of the family. *Social & Behavior Science*: 106, 1462-1469.
- Loudova, I., Janis, K. Haviger, J. (2013). Infidelity as a threatening factor to the existence of the family. *Social & Behavior Science*: 106, 1462-1469.
- Messripour, S. Etemadi, O. Ahmadi, A. Jazayeri, R. (2016). Analysis of the Reasons for Infidelity in Women with Extra-Marital Relationships: A Qualitative Study. *Modern Applied Science*: 10, 5. 151-162.
- Moultrup, D. J. (1990). *Husbands, wives, and lovers: The emotional system of the extramarital affair*. New York: The Guilford Press.
- Negash S, Cui M, Fincham FD, Pasley K. (2014). Extradyadic involvement and relationship dissolution in heterosexual women university students. *Archives of Sexual Behavior*, 43:531–539.
- Negash, S. & Morgan, M. L. (2016). A Family Affair: Examining the Impact of Parental Infidelity on Children Using a Structural Family Therapy Framework. *Contemporary Family Therapy*: 38, 2, 198-209.
- Parker-Pope, T. (2008). Love sex and the changing landscape of infidelity. *New York Times*, October 27
- Pines, A. M. (2004). Adult attachment styles and their relationship to burnout: a preliminary, cross-cultural investigation work and stress. *The Family Journal*. 18, 66-80.
- Pines, A.M., Nunes,R. (2003). The relationship between career and couple burnout: implication for career and couple counseling, *Journal of employment counseling* 40 (2), 50- 64
- Platt, A. Nalbone, D. Casanova, G. Wetchler, J. (2008). Parental conflict and infidelity as predictors of adult children's attachment style and infidelity. *The American Journal of Family Therapy*. 36 (2): 140-153.
- Shackelford, T. LeBlanc, G. Drass, E. (2000). Emotional reactions to infidelity. *Cognition and Emotion*. 14 (5): 643 –659.
- Skowron, E.A. (2000). The rol of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47,229-237.
- Skowron, E.A.& Schmitt,T.A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI Fusion with Other subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29, 209-222.
- Skowron, E.A.& Schmitt,T.A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI Fusion with Other subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29, 209-222
- Skowron, E.A., & Friedlander, M.L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 1-11.
- Snyder, I. Duncan, S. & Larson, J. (2010). Assessing Perceived Marriage Education Needs and Interests among Latinos in a Select Western Community. *Journal of Comparative Family Studies*. 26: 347 –367.

- Snyder, I. Duncan, S. & Larson, J. (2010). Assessing Perceived Marriage Education Needs and Interests among Latinos in a Select Western Community. *Journal of Comparative Family Studies*. 26: 347–367.
- Spring, J. Spring, M. (2008). *After the Affair: Healing the Pain and Rebuilding Trust When a Partner Has Been Unfaithful*. NY: William Morrow Paperback.
- Young, L. Long, Y. (2006). *Therapy and counseling for couples*. CA: Brooks/Cole Pub.
- Young, L. Long, Y. (2006). *Therapy and counseling for couples*. CA: Brooks/Cole Pub.